

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۰۷ مهر ۱۳۹۲

تدریس به زبان مادری مشکل اساسی نظام آموزشی کشور



تدریس به زبان مادری یکی از مباحث کهنه و درعین حال لاینحل کشور کثیر المله ایران است. حقوق خلق های ساکن کشور و از آن جمله تدریس به زبان مادری یکی از مشکلات

یکصد ساله اخیر کشور ماست. با شروع تحصیلات به تیوه نوین در اواخر حکومت قاجار تدریس به زبان مادری به یکی از مباحث جدی و محوری میان مسئولان آموزشی، فرهنگیان و روشنفکران قرار گرفت. با اینکه در بسیاری از کشورهای پیشرفته چند میلیتی این مشکل سالهاست که حل شده است. در کشورما همچنان لاینحل مانده است. دلیل اصلی آن هم بر می گردد به وجود دولت های غیر دموکراتیک و مرکز محور که تا کنون زمام امور کشور را در دست داشته اند. خاتم فهیمه طباطبایی از روزنامه شرق طی گزارشی مسئولان نظام آموزشی کشور را با این پرسش روبرو کرده است: "پالاخره آیا باید زبان مادری اقوام و قبایل مختلف در مدارس آموزش داده شود یا خیر؟"

وی در گزارش خود می نویسد: اولین بار در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، دکتر حسن روحانی از اجرای اصل پانزدهم قانون اساسی مبتنی بر آموزش زبان های قومی و محلی خبر داد. رییس جمهور در بیستم خرداد امسال در جمع مردم کردستان گفت: از نظر من اصول ۱۵، ۱۹، ۲۲ و ۳ قانون اساسی با اصل اول، اصل آخر و اصل وسط برابر است و همه مردم ایران زمین باید احساس کنند که حقوق شهروندی واحد خواهند داشت. ادامه درص ۲

اقتصاد آشفته کشور از زبان معاون اول رئیس جمهور

رشد اقتصادی کشور در سال ۹۱ بر اساس آمارهای رسمی منفی ۵.۸ درصد، رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منفی ۲۱.۹ درصد، رشد تشکیل سرمایه در بخش ساختمان منفی ۳۲ درصد، رشد مصرف بخش خصوصی منفی ۱.۹ درصد و تورم در پایان سال گذشته ۳۰.۵ درصد بوده که این میزان در شهریور سال جاری به بیش از ۴۰ درصد رسیده است.

سایت ریاست جمهوری خبر داد که روزدو شنبه ۲۲ مهر دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در مراسم سالانه استاندارد شرکت کرده است. جهانگیری در سخنانی که به همین مناسبت ایراد نموده، از اوضاع نا بسامان اقتصادی کشور سخن گفته است. در بخش هایی از این سخنرانی آمده است: نرخ بالای بیکاری، نرخ پایین سرمایه گذاری، نامناسب بودن فضای کسب و کار، کاهش سرمایه گذاری خارجی و تحریم های ظالمانه بعنوان چالش ها و مشکلات جدی اقتصاد کشور یاد کرد. متاسفانه کارنامه عملکرد سال ۹۱ وضعیت بدی را نشان می دهد و شاهد آمار نامطلوبی در شاخصهای اقتصادی هستیم. رشد اقتصادی کشور در سال ۹۱ بر اساس آمارهای رسمی منفی ۵.۸ درصد، رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منفی ۲۱.۹ درصد، رشد تشکیل سرمایه در بخش ساختمان منفی ۳۲ درصد، رشد مصرف بخش خصوصی منفی ۱.۹ درصد و تورم در پایان سال گذشته ۳۰.۵ درصد بوده که این میزان در شهریور سال جاری به بیش از ۴۰ درصد رسیده است. رشد پایه پولی و نقدینگی کشور در شرایط نگران کننده ای قرار دارد تصریح کرد: رتبه جهانی کسب و کار کشور افت کرده و وضعیت شاخص فساد نیز در شرایط ناگواری قرار گرفته است. ادامه درص ۳

در این شماره

- مسائل حاد محیط زیست و پیامدهای آن ص ۴
- اعلامیه کمیته مرکزی ص ۸
- با خشک شدن دریاچه ارومیه ص ۹
- تاریخ امید شعر ص ۱۰
- نقد و نظری به "رمان تاریخی اشک سبلان" ص ۱۱
- زمین لرزه ای به بزرگی ص ۱۲
- شروع سال تحصیلی ص ۱۳
- روز جهانی معلم گرمی باد ص ۱۵
- در آذربایجان چه می گذرد؟ ص ۱۶

از زندگی و آینده کودکان حمایت کنیم

بمناسبت باز گشایی مدارس



با پایان تعطیلات تابستانی و آغاز به کار مدارس در اول ماه مهر و با به صدا در آمدن زنگ ها، قرار است که میلیون ها دانش آموز دختر و پسر، این سرمایه های میهن و آینده سازان کشورمان در کلاس های درس حضور یابند تا از آموزش و فراگیری علوم و دانش های زمانه بهره مند گردند. بدین جهت و برای این منظور میبایست فرزندانمان از آرامش روحی و تامین اجتماعی لازم برخوردار و فارغ از هر گونه نگرانی برای تامین معیشت خانواده و هزینه تحصیلی خود و خواهران و یا برادران خود به تحصیل اشتغال ورزند. با توجه به گزارشات و آمارهای رسمی از وضعیت کودکان کار توسط خبر گذاری های داخل کشور، متاسفانه با واقعیات بسیار تلخ و نگران کننده ای روبرو هستیم که اگر در این مورد اقدامات اساسی اتخاذ نگردد، آینده ای همراه با بحران های اجتماعی وخیم و وسیع تری را شاهد خواهیم بود. ادامه درص ۳

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

تدریس به زبان مادری مشکل اساسی نظام آموزشی کشور

توسط خانواده‌ها صورت می‌گیرد در مدارس و کلاس درس دنبال شود؛ استدلال و دغدغه آنهایی که نگران زبان فارسی به‌عنوان زبان اصلی و مشترک هستند اگرچه درست نیست اما بیراه هم نیست چرا که نباید زبان فارسی تحت‌الشعاع زبان‌های دیگر قرار گیرد. این مولف سند تحول بنیادین تصریح کرد: به عبارت دیگر باید این برنامه به‌گونه‌ای در نظام آموزشی کشور پیاده شود تا هیچ مخاطره‌ای برای زبان فارسی به‌عنوان نماد ملی و زبان محوری ایجاد نشود. مهرمحمدی در پاسخ به این پرسش که آیا در سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش که در سال گذشته به تصویب شورایی انقلاب فرهنگی رسید، به مساله آموزش زبان و ادبیات اقوام توجه شده یا خیر، گفت: در مبنای نظری و رهنامه سند تحول بنیادین به احترام و رعایت پیشینه فرهنگی متربیان و دانش‌آموزان تاکید شده و حتی در ره نامه انعطاف لازم را برای اجرای طرح‌هایی همچون آموزش زبان اقوام مختلف را ایجاد کرده‌ایم. وی ادامه داد: در سند تحول بنیادین تاکید کرده‌ایم که برنامه‌های درسی همواره نباید تجویزی باشد و باید برنامه‌های درسی غیرتجویزی نیز در جهت بارور شدن هویت اختصاصی دانش‌آموزان لحاظ شود. همچنین مهدی نوید ادوم، دبیر شورایی وزارت آموزش و پرورش در این‌باره به «شرق» گفت: تاکنون شورایی عالی هیچ مصوبه‌ای در این‌باره نداشته است اما برای عملی‌کردن این طرح باید تمام کم و کیف آن کارشناسی شود و بعد به مرحله اجرا برسد. وی با بیان اینکه تدریس زبان‌های قومی در مدارس ظرافت‌های خاص خود را دارد، اظهار کرد: علت اینکه تاکنون این قانون در مدارس عملیاتی نشده حساسیت‌ها و سابقه تاریخی آن بوده است چراکه در کنار محاسن، معایبی هم دارد که باید روی آن تامل کرد. از سویی تحقیقات دو دانشجوی ارشد دانشکده زبان و ادبیات خارجی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۸ با عنوان رابطه زبان مادری، جنسیت و سن با سطح تفکر انتقادی نشان می‌دهد که زبان مادری رابطه معناداری با سطح تفکر انتقادی دارد؛ ارتباطی که در مورد سن و جنسیت صدق نمی‌کند. حالا باید دید که با این تفاسیر، سرپرست وزارت آموزش و پرورش چه زمانی و چگونه این طرح بحث‌برانگیز و پرحاشیه را که یکبار در دوره اصلاحات کلید خورده، بار دیگر دنبال می‌کند.

خب این شروع تازه‌ای برای یک بحث قدیمی شد، مساله‌ای که همواره بر روی میز نهادهای آموزشی به ویژه وزیران آموزش و پرورش قرار دارد و آنها را با این پرسش روبه‌رو کرده است که بالاخره آیا باید زبان مادری اقوام و قبایل مختلف در مدارس آموزش داده شود یا خیر؟

بحث‌ها و سخنان زیادی درباره کتاب‌های ادبیات با گویش محلی وجود دارد که هیچ‌گاه به نتیجه واحدی نرسیده و تکلیف را مشخص نساخته است. زمانی مسوولان آموزش و پرورش از تفویض اختیارات به استان‌ها برای تالیف کتاب استانی در ادبیات و حتی دروس دیگر همچون جغرافیا سخن می‌گویند و بار دیگر آن را رد می‌کنند. اما حالا علی‌اصغر فانی، سرپرست وزارت آموزش و پرورش سیاست سکوت در برابر این مساله را شکسته و در گفت‌وگو با سایت جماران تصریح کرده است: «تدریس زبان قومیت‌ها در مدارس اولویت من است.» فانی همچنین گفت: ما باید اصل ۱۵ قانون اساسی را اجرا کنیم. یکسری برنامه‌ریزی‌ها در زمان آقای خاتمی شده که در نهایت متوقف شده‌اند. باید اکنون با بررسی‌هایی دوباره این برنامه‌ها را به جریان انداخت. آموزش زبان‌های قومی در کنار زبان ملی همواره مخالفان و موافقان زیادی داشته و دارد. عده‌ای معتقدند که آموزش گویش‌های مختلف شروع خط‌کشی‌های قومی و قبیله‌ای و شکننده‌شدن وحدت ملی است و برخی دیگر معتقدند که آموزش این زبان در مدارس روحیه اقوام را تقویت و موجب انسجام ملی می‌شود. شیرزاد عبدالهی، کارشناس مسایل آموزشی در این‌باره گفت: صحبت فانی دقیق نیست. اولاً از اصل ۱۵ قانون اساسی، تدریس به زبان قومیت‌ها در نمی‌آید. دوم اینکه تمام تلاش‌ها در دوره اصلاحات منجر به این شد که در مناطق قومی دو واحد درس زبان و ادبیات قومی را به‌عنوان واحد اختیاری به دانش‌آموزان مقطع دبیرستان ارائه کنند و همین هم در شورایی انقلاب فرهنگی متوقف شد و به اجرا در نیامد. وی ادامه داد: طبق اصل ۱۵ قانون اساسی «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» آنچه در این فصل به آموزش و پرورش مربوط است، تدریس ادبیات قومیت‌ها با استفاده از زبان‌های محلی و قومی است و البته آموزش و پرورش در این اصل حتی ملزم به اجرای اصل ۱۵ در این حد هم نشده است. تکلیف کتاب‌های درسی هم معلوم است و باید به خط و زبان فارسی باشد. اما محمود مهرمحمدی، سرپرست دانشگاه فرهنگیان و یکی از مولفان سند تحول بنیادین در این‌باره به «شرق» گفت: باید آنچه را که در قانون اساسی به آموزش و پرورش تکلیف شده است، قطعاً اجرا شود.

مهرمحمدی با اشاره به نظرات مخالفان اجرای این طرح افزود: آموزش گویش‌های مختلف در مدارس محدود به زبان نمی‌شود بلکه ادبیات زبان اقوام مختلف در سطوح گوناگون مدنظر است که نیاز به برنامه‌ریزی مناسب دارد. وی با بیان اینکه باید سرمایه‌گذاری‌های لازم برای اجرای این طرح صورت گیرد، اظهار کرد: در واقع باید آموزش زبان اقوام مختلف به شکل اصولی و فراتر از آنچه که در محیط طبیعی و

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه‌های منطقه‌ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی‌های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می‌دهد.

پیش‌وی

از زندگی و آینده کودکان حمایت کنیم بمناسبت باز گشایی مدارس

نمود. در عرصه سیاست‌های اقتصادی دیرگرایست که دولت‌های گذشته و همچنین دولت جدید آقای روحانی در صدد پیاده کردن دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بوده و هستند. این نسخه پیچیده شده و از طرف دولت‌های جمهوری اسلامی به صورت یک جراحی مرگ آور در زمینه‌های مانند خصوصی کردن کارخانه‌ها و موسسات دولتی و واگذاری آنها و همچنین فراهم کردن امکانات برای کار آفرینان (سرمایه داران)، تعدیل نیروی انسانی، تغییر قانون کار به نفع سرمایه داران و در جهت محدود کردن فعالیت‌های سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری، عدم افزایش دستمزدها و سیاست ریاضت‌گشی و... به‌وخیم تر شدن زندگی زحمتکشان و نابودی زیر ساختارهای تولیدی و کشاورزی کشورمان منجر گردیده است.

مطابق آخرین گزارش‌ها بسیاری از فرزندان خانواده‌های کارگر به علت فقر ترک تحصیل کرده و به جمعیت کودکان کار افزوده می‌شوند. میان سطح دستمزد پایین کارگران با افزایش شمار کودکان کار رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. طرح استاد- شاگردی نمونه‌ای از سیاست‌های جمهوری اسلامی تلقی می‌شود که منجر به افزایش تعداد کودکان کار شده است. فراموش نکنیم برخی حامیان حقوق کودکان کار و فعالین سندیکایی هم اکنون در زندان به سر می‌برند.

با اشاره به گوشه‌ای از مشکلات و بی‌عدالتی‌های موجود در میهن‌مان که در اثر سیاست‌های به‌غایت ارتجاعی و حامی سرمایه‌داری حاکمان کنونی و مداخلات و تحریم‌های غیر انسانی که از طرف امپریالیسم علیه مردم ما تحمیل گردیده، ما زحمتکشان به ایفای نقش خود و سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری‌مان به عنوان یک نیروی مدافع منافع حقوق همه زحمتکشان پی می‌بریم.

منع کار کودکان و دفاع از حقوق کودکان کار یکی از وظایف سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگریست، برای به‌روزی و شادی فرزندانمان تلاش کنیم.

گرفته شده از سایت اتحاکارگر

در گزارشات و آمارهایی هر چند کنترل شده و ناقص که توسط خبرگزاری‌های رسمی در داخل ایران انتشار یافته به تعداد رو به افزایش کودکان کار که در رشته‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، خدماتی، کار در منازل و همچنین کار در کارگاه‌های پرت و مخفی، دست‌فروشی در خیابانها، پارکها، و قطارهای زیر زمینی مشغول به کار هستند، اشاره گردیده است.

در آستانه روز جهانی منع کار کودک، جمعیت دفاعی از کودکان کار و خیابان و جمعی از فعالان حقوق کودک به حق این پرسش را با رئیس‌جمهور جدید ایران آقای حسن روحانی مطرح کردند که "برنامه شما برای بازگرداندن بیش از هفت میلیون کودک در سن آموزش و دور مانده از تحصیل به چرخه آموزش چیست؟"

آنها به روشنی در این نامه علت محروم ماندن کودکان از ابتدائی‌ترین حقوق و ضروریات زندگی را چنین به تصویر کشیدند: " این کودکان جهت بازی و تفریح و توسعه اوقات فراغت خویش از تحصیل باز مانده‌اند، بلکه علت اصلی ریزش این کودکان از این چرخه، فقر و کم‌درآمدی خانواده هاست و متأسفانه درصد بالایی از این کودکان جذب بازار کار می‌شوند."

در این بازار کار که مطمئناً از چشم‌گردانگان جمهوری اسلامی پنهان نیست، کودکان به عنوان کالایی ارزان و بی‌دفاع توسط مشتی سودجوی و برای کسب ثروت بیشتر به شدیدترین وجه مورد استثمار قرار می‌گیرند. کودکان در مقابل دستمزد ناچیزی که از کارفرما دریافت می‌کنند تا کمک خرجی برای خانواده خود باشند، ناچارند وظایفی را که به عهده آنها گذشته شده در محیطی نامطلوب و با شرایطی غیر انسانی به انجام برسانند. این کودکان به جای اینکه در کلاس‌های درس به آموختن علم و دانش و ورزش و شادی و تفریح مشغول باشند، به اجبار و ناخواسته در شرایط و محیطی نامطلوب در معرض انواع آسیب‌های جسمی و روحی قرار دارند.

ریشه تمامی این نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را باید در پیش‌برد برنامه‌های سیاسی و اقتصادی کلان حکومت جستجو

اقتصاد آشفته کشور

از زبان معاون اول رئیس‌جمهور

نبايد به سمتی پیش‌رویم که نقدینگی افزایش یابد چرا که افزایش پایه پولی به معنای تورم جدید خواهد بود. دولت تلاش می‌کند تا پایان سال ۹۲ به نقطه‌ای برسیم که تورم فعلی کمتر شود. دولت مصمم است تدابیری اتخاذ کند تا روح جدیدی در کالبد تولید کشور دمیده شود و ظرفیت‌های خالی تولید با حداکثر توان فعال شود. باید رشد منفی اقتصاد کشور در پایان سال ۹۲ به سمت صفر حرکت کند و از روند منفی آن جلوگیری شود که امیدواریم صاحب‌نظران، دانشگاهیان و نخبگان با ارائه راهکارها و نقد عملکرد دولت ما را در این راه یاری کنند.

دولت مصمم است مسیر صنعتی کردن کشور را با جدیت دنبال نماید همانطور که دکتر روحانی نیز تأکید داشته‌اند باید با تدوین سیاست‌ها و تکیه بر توانمندی و خرد علمی کشور موانع پیش‌روی صنعتی شدن را از میان برداریم و در این مسیر دست خود را به سوی همه صاحب‌نظران دراز می‌کنیم.

وضعیت فعلی بسیار نگران‌کننده است. هم‌اکنون ماهانه ۳۵۰۰ میلیارد تومان یارانه به مردم پرداخت می‌شود و این در حالی است که از این رقم در خوشبینانه‌ترین حالت تنها ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیارد تومان از محل افزایش قیمت‌ها در اختیار دولت قرار می‌گیرد. در حال حاضر هرماه دولت با کسری مواجه است و این مشکل باعث شده دستگاه‌های اقتصادی کشور نیز تحت فشار قرار گیرند. معاون اول رئیس‌جمهور با بیان اینکه در زمینه بودجه نیز با وضعیت نگران‌کننده‌ای مواجه هستیم و از ۲۱۰ هزار میلیارد تومان بودجه سال جاری، بنا به گفته مسئولان دولت قبلی ۷۰ هزار میلیارد تومان کسری دارد. البته لایحه‌ای برای اصلاح به مجلس داده شده که متأسفانه بررسی آن تا کنون به طول انجامیده و اصرار دولت برای بررسی دو فوریتی آن به این خاطر بود که دولت تأکید دارد که تمام اقداماتش قانونمند باشد.

وی تأکید کرد: البته به دلیل فشار تورم، اولویت نخست دولت کاهش نرخ تورم و فشاری است که بر مردم وارد می‌شود در این زمینه



مسائل حاد محیط زیست و پیامدهای آن
بخش نخست

خاکشناسان آکادمی علوم شوروی به وی مدال «داکوچایف» اعطا نمود.

پروفسور شکوری در پنجاه سال گذشته در زمینه حل مسائل حفاظت از محیط زیست، حفاظت از منابع بیوسفر (زیستکره) و اکوسیستم‌ها پژوهش‌های فراوان به عمل آورده و از تز بزرگ علمی خود در زمینه مسائل عموم علوم طبیعی دفاع کرده و درجه علمی فوق دکترا را در رشته علوم جغرافی و ژئوشیمی کسب کرده است. شورای عالی فرهنگی و تحقیقاتی اتحاد جماهیر شوروی رتبه علمی پروفسوری را در سال ۱۹۹۰ به شکوری اعطاء نمود. ...

پس از خدمات ارزنده علمی دراز مدت هیات رئیسه و جلسه عمومی آکادمی بین المللی اکوانرژتیک پروفسور شکوری را به عضویت خود انتخاب و درجه آکادمیسین مفتخر نمود. در سال ۲۰۰۰ هئیت رئیسه آکادمی علوم نیویورک پروفسور را با درجه فوق دکترا به عضویت خود درآورد. شکوری به تجسّسات و کاوشهای علمی خود ادامه می‌دهد. او عضو چندین شورای علمی در مورد دفاع از تزه‌های دکترا و فوق دکترا بوده و صدر شورای علمی بررسی ارزشهای علمی تزه‌های دکترا و فوق دکترا در سیستم تحقیقاتی آکادمی ملی علوم جمهوری آذربایجان و وزارت کشاورزی جمهوری می‌باشد.

او در حدود پنجاه سال به تربیت نیروهای متخصص در رشته دکترا و فوق دکترا همت گمارده است و تا کنون 32 نفر تحت رهبری ایشان به اخذ درجه علمی دکترا نائل آمده اند. پروفسور عضو جمعیت علمی خاکشناسان، جمعیت شیمیدانان اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری آذربایجان و انجمن خاکشناسان ایران بوده و بیش از 35 سال معاونت شیمیدانان آذربایجان را عهده دار بوده است. و ...

سوال: به نظر جنابعالی علوم پایه چه نقش در پیشبرد علوم تجربی دارد؟

ج: در دنیای امروزی پیشرفت علم و صنعت، تشکیل سیستم‌های علمی، تکنیکی، بطور کلی علوم پایه، اساس علوم تجربی را تشکیل می‌دهد. علوم پایه از تدابیر علمی برای کشف قانونمندیهای، علل بروز حوادث عظیم و پدیده‌های طبیعی، شناسائی اسرار کهکشانها، مهندسی ژنتیک، استفاده از نیروی عظیم اتم، درک فلسفی و علمی زندگی، توجیه فرآیندهای هائی که در محدوده زندگی ما روی می‌دهد استفاده می‌نماید. پژوهش در چهارچوب علوم پایه کوششی است پویا و با سیستم، برای شناخت و درک مسائل نظری علمی، فرآیندهای هائی که موضوع شناخت در علوم مختلف می‌باشد و اهداف کلی آن پیشبرد علوم پایه و تجربی است.

یک باز نگری به تاریخ پیشرفتهای علمی و صنعتی جهان معاصر نشانگر آنست که علوم پایه منطبق بر پژوهشهای

ادامه درص ۵

کتابی تحت عنوان "مجموعه مصاحبه علمی با پروفسور دکتر بهروز شکوری" در باکو به چاپ رسیده است که حائز اهمیت خاصی است. پروفسور یک نسخه از این کتاب را در اختیار نشریه آذربایجان ارگان کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان اهدا کرده است. ما ضمن تشکر از ایشان به خاطر اهمیت فوق اعاده ای که مطالب این کتاب دارد، آن را در چند شماره در اختیار دانشمندان، محققان و علاقه‌مندان به محیط زیست قرار میدهیم. از پروفسور تا کنون بیش از ۷۰۰ اثر علمی به جا مانده که همگی از ارزش علمی بالایی برخوردارند. اغلب این آثار به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر شده است.

در مقدمه این کتاب به گوشه‌ای از فعالیت‌های علمی این دانشمند بزرگ چنین اشاره رفته است: ... پروفسور شکوری برای مدت ۱۲ سال با دانشگاه دولتی مسکو در زمینه مسائل ژئوشیمی خاکها و تغذیه گیاهان کشاورزی همکاری گسترده داشته و طبق پیشنهاد شورای عالی تحقیقات این دانشگاه شکوری مامور تهیه و تربیت نقشه‌های میکروالمانهای خاکهای قفقاز (جمهوریهای گرجستان، آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان) شد و در مدت هشت سال تلاش و کوشش با همکاری محققان این جمهوریها موفق به انجام این برنامه بزرگ گردید. این نقشه‌ها را شکوری به نقشه عمومی خاکهای قسمت اروپای شرقی شوروی سابق ملحق کرد. بدین مناسبت مدال بزرگ علمی نمایشگاه موفقیت‌های اقتصاد ملی اتحاد شوروی را از آن خود ساخت.

شکوری با آکادمی‌های علوم جمهوری‌های روسیه، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان، لیتوانی، لیتونی، استونی، اوکراین و مالدوای در زمینه مسائل مختلف خاکشناسی، ژئوشیمی خاکها، شیمی کشاورزی، مسائل اکولوژیکی، زیست محیطی و آگروشیمی همکاری نزدیک داشت. او در مدت 45 سال ریاست بخش‌های حاصلخیزی خاکها، ژئوشیمی، بیابان‌زایی، آگرو شیمی را در انستیتوی فرسایش خاک، مرکز علوم آگرواکولوژی و انستیتوی فرسایش و آبیاری وزارت کشاورزی جمهوری آذربایجان عهده داشت. در مدت 35 سال پروفسور شکوری معاون رئیس بخش شیمیزاسیون کشاورزی جمعیت شیمیدانان بنام مندلیف بود.

شکوری در مدت ده سال طرح بزرگ حاصلخیزی بیولوژیکی خاکهای آذربایجان را اجرا نمود. این طرح بین المللی که از طرف سازمان خواربار جهانی به پیش کشیده شده بود با موفقیت به پایان رسید. پس از خدمات ارزنده علمی شکوری در رشته‌های مختلف علوم کشاورزی و طبیعی بخصوص در رشته‌های خاکشناسی، ژئوشیمی، شیمی کشاورزی، میکروبیولوژی، ترمودینامیک جمعیت

مسائل حاد محیط زیست....

بنیادی و جدی و اطلاعات علمی، تحولات عظیم علمی و صنعتی و اجتماعی را در جهان ایجاد نموده، رنسانس علمی، انقلابهای علمی - تکنیکی در مقاطع خاص در همین زمینه باید ارزیابی گردد. امروز کاملاً مشخص گردیده که بدون انجام تجسسات و کاوشهای پایه ای و بنیادی در هیچ یک از رشته های علوم معاصر نمی توان به موفقیت های کاربردی دست یافت.

در قرن بیستم، قرنی که برای بشر بیشترین اختراعات و اکتشافات علمی را به ارمغان آورد و در واقع بیش از ۸۰ درصد اختراعات تاریخ در این قرن تحقق یافت. قرنی که برای بشر تاریخ ساز بود. و در تاریخ جایگزین شد، در پی پژوهشهای بنیادی در محورهای علوم پایه امکان پذیر گردید و ما امروز شاهد مسافرتها فضانوردان به فضا، کره ماه هستیم و انشاءاله مسافرت به کرات دیگر هم در کمین می باشد.

آیا بدون پیشرفت علوم پایه امکان دستیابی به اسرار اتم و قرار دادن قدرت آن در خدمت انسان، معجزه های مهندسی ژنتیک، شکل گیری علوم رایانه ای، انقلاب عظیم در سیستم ارتباطات و اطلاعات غیره امکان پذیر بود؟ البته که نه.

امروز به پژوهش در محور علوم پایه باید از بعد جدیدی نگریست. پژوهش های بنیادی، استفاده سازمان یافته از روشهای معاصر علمی، که خود زائیده تحقیق می باشد برای درک و کشف متقابل میان پدیده ها متوجه گردیده و در همین بستر باید ارزیابی گردد.

تجربه های تاریخ نشانگر آنست که پژوهش اگر سازمان یافته و جدی است به خلق تفکر و اندیشه های جدید منجر می گردد و همین اندیشه ها هستند که اساس نوسازیهای را در جهان می گذارند و باید این هم ناگفته نماند که هر اندیشه نو منشاء طرح های جدید علمی می شود که خود مورد تشویق محقق در پر بار کردن هر چه بیشتر پژوهش های علمی می شود و این سیکل زنجیره ای است.

من روی سخنم به محققین جوان، محققینی که هم انرژی کافی برای کاوش و هم فانتزی لازم را برای پیشرفتهای دارا هستند می باشد. همکاران عزیز، تحقیق شور و عشق و علاقه می طلبد و اگر شما به این عشق و علاقه که نیروی ارزنده روحی است خود را مجهز نکنید و از خوشبختیهای زندگی، استراحت، وقت گذرانی تا حدی چشم نپوشید، زحمت و کوشش پویا را اساس کار خود نگذارید، متحمل سختی ها، ناملایمات، ناموفقیتهای که در این راه موجود است نشوید به حقیقت علمی دست نخواهید یافت.

سوال: با در نظر گرفتن اینکه جنابعالی محقق با سابقه طولانی می باشید برای محقق واقعی چه ارزش قائلید، محقق چه صفاتی باید داشته باشد؟

ج: در جوامع بشری از قدیم الایام محقق، استاد و دانشمند همواره از مقام والا و احترام بخصوص بر خوردار بوده و در ایران نیز که یکی از کشورهای دارای تاریخ و تمدن بزرگ بوده فرهنگ شایسته ای داشته محقق و دانشمند در میان مردم از محبوبیت خاص بهره مند بوده است. امروز هم در کشورمان نسبت به دانشمندان، محققین، مدرسین ارج

و اما در مورد صفات محقق، بنظر من و نه تنها من، محقق در درجه اول باید از صفات انسانیت و نوع دوستی بر خوردار بوده، مظهر پاکی شخصیت ممتاز باشد. یکی از صفاتی که برای محقق الزامی است اراده بزرگ و مصمم بودن آن می باشد. محقق باید متعهد، مصمم و فداکار باشد. در امر تحقیق فداکاری الزامی است. محقق حتی زندگی عادی خود را در درجه دوم اهمیت قرار داده و در درجه اول کار تحقیقی برایش با اهمیت و ارزش می باشد. امروز بدون فداکاری و از خود گذشتگی محقق قادر نخواهد بود اسرار طبیعت، اسرار اتم، پیچ و خم های مهندسی ژنتیک، بیوتکنولوژی، علوم فضائی را درک کرده و شیوه های استفاده بهینه از آنها را بشناسد و در خدمت جامعه قرار دهد. بیاد بیاوریم فداکاریهای دانشمندان بزرگوار مانند گالیه، جوردن و سایرین را که حتی زندگی خود را در راه علم دریغ نمودند و جملات گالیه در حین اعدام که بر زبان آورد «با وجود همه اینها زمین بدور خود می چرخد» در دوران تاریخی و امروز هم احترام عمیق ملل را نسبت به او و همفکرانش جلب نموده و این سخنان استاد بزرگوار سالنهای موسسات علمی را زینت می دهد.

فداکاریهای علمی شیخ نصرالدین طوسی، ابن سینا، الغ بیگ و ده ها دانشمند دیگر در مقیاس جهانی برای کشورمان بطور کلی برای شرق شرف آورد. پاستور، انیشتین، دکتر حسابی، خدمات ارزنده ای به علوم جهانی ارائه نمودند. بیاد بیاوریم فداکاری دانشمندان شهیر آلمانی رونتگن (کاشف اشعه ایکس)، دانشمند شهیر لهستانی خانم دکتر ماری اسکلاووراسکایا (Skłodowska)، کوری و همسر بنامش پیر کوری (کاشفان رادیوم و پلوتونیوم)- آکادمسین کورچاتف، کار الیوف و ده ها دانشمند عظیم، ایشان را که زندگی خود را به خطر انداخته و بخاطر کشف های بزرگ خود را اشعه رادیواکتیو عذاب بردند. آیا در غیر این صورت بشر قادر بود اسرار اتم را کشف و در خدمت جامعه بگذارد و تا این حد از پیشرفت نائل آید؟

محققینی که در زمینه خاصی از علوم، تخصصی و تجربه دارند باید یافته های علمی، شیوه های بررسی مسائل علمی و بالاخص دانش خود را در اختیار پژوهشگران جوان قرار دهند روحیه پژوهش های علمی و عشق به تفحص را بدانها منتقل نمایند. محققین موظفند که از روشهای تحقیق، چهار چوب نظری و نتایج بدست آمده از تحقیقات نسل های پیشین را بدقت بررسی کرده مورد استفاده قرار دهند.

باید در نظر داشت که یکی از ویژگیهای مهم محققین علمی و پویا، اعتقاد و نکته گیری از اهداف تحقیقات گذشته است.

سوال: در مورد روند اساس تغییرات در محیط اکولوژیکی کره زمین چه نظریاتی دارید؟

ج: مسئله ای که طرح کردید حائز اهمیت است لذا بطور مختصر به بازنگری به روند تغییرات در محیط اکولوژیکی جهان احتیاج می بینم. پژوهش های انجام شده در جهان نشانگر آن است که تغییرات بنیادی و سریع در بیوسفر در شرایط کنونی زائیده فعالیت آنتروپوژن انسانها می باشد.

نیمه دوم قرن بیستم دوره ای بود که علوم بشری به پیشرفتهای عظیمی دست یافت. صنعت، هنرهای زیبا،

مسائل حاد محیط زیست....

تکنیک و تکنولوژی، مهندسی ژنتیک، علوم فضائی به مرحله بسیار بالائی رسید. در این دوران فرهنگ و تمدن بشری به اوج عظمت خود رسید. کشاورزی مدرنیزه شد که تا اندازه ای توانست جوابگوی احتیاجات جهانی گردد. این دوره ای بود که بشر از جنگ و جدال به سوی صلح و صفا قدم بر می داشت و روابط با کشورها بهبود می یافت. سازمانهای بین المللی، بهداری و بهداشتی فعالیت عظیمی در تأمین سلامتی مردم انجام دادند. بشر در این دوره به اسرار اتم دست یافت و شیوه های استفاده صلح آمیز آن را معین نمود.

استاسیونهای اتمی برای تولید برق ایجاد گردید و به شهرها و دهات روشنائی و گرما داد.

یکی از موفقیت های اعجاز آمیز علمی در این دوره تاریخی، صعود انسان به فضا بود. هزاران سال انسان در این آرزو بود که خود را به فضا و کرات دیگر برساند و این آرزو با راهپیمائی در کره ماه تحقق یافت و امروز فضانوردان ملل مختلف در فضا پیمایا در فضای بیکران کره زمین به تحقیق مشغولند.

قرن بیستم همچنین شاهد اختراعات وحشتناک بشری هم گردید. برای اولین بار در تاریخ جهان اتم در خدمت مقاصد جنگی قرار گرفت. بمب اتمی ساخته شد و در یک حمله وحشیانه آمریکا به هیروشیما و ناکازاکی صدها هزاران نفر در ژاپن کشته شد و در عرض ۶۷ سال گذشته هزاران نفر به بیماریهای وحشتناک دچار گردید. بمب هیدروژنی، زیر دریائیهای اتمی و هسته ای، موشک های قاره پیمای با کلاهک های اتمی، سلاح های وحشتناک شیمیائی برای نابودی همگانی ساخته شد و در اختیار ارتش ها قرار گرفت. بدین ترتیب برای نابودی بشر فراهم گردید. آزمایشهای هسته ای در فضا، اقیانوسها و زیر زمین به آلودگی عظیم بیوسفر انجامید. دانشمندان متوجه شدند که جنگ هسته ای جهانی، جنگهای شیمیائی و باکتریولوژی قادر خواهند بود بیو سفر کره زمین را در عرض چند روز و یا یک هفته نابود سازند.

از طرفی هم رشد بی رویه و بدون حساب جمعیت بشری، فعالیت غیر علمی و نادرست انسانها در مصرف بی رویه تولیدات صنعتی و کشاورزی و تبدیل کشورها به جمعیت های مصرف فوق العاده، وضع نرمال بیو سفر را از بین برده فشار به ذخایر طبیعی بیش از پیش فشرده تر گردید. این وضع تأثیر سوئی در توازن محیط زیست داشته باعث آلودگی فضا و محیط زیست گردید و ضربات مهلکی به موجودات زنده زمین وارد نمود. استفاده بی رویه از زمین، استعمال بیش از حد مواد شیمیائی و سموم باعث مسمویت خاک، منابع و ذخایر آبی و محیط گردیده حاصلخیزی آن را از بین برد. بدین ترتیب یک شرایط جدید با آلودگیهای خطرناک به وجود آمد که در زندگی، سلامتی و دوام انسانها تأثیر سوئی داشت. بشر برای نجات خود دست به کار شد و در کشورهای با توان خوب اقتصادی، مبارزه برای بقاء شروع گردید.

پنجاه سال در عرصه جهانی، بشریت متری علیه جنگهای هسته ای، اتمی، شیمیائی و باکتریال مبارزه نمود و تا اندازه

ای هم موفق به مهار جنگهای توتال (Total) گردید. گرچه جنگهای لوکال (محلی Lokal) هنوز هم در عرصه جهانی نمود عینی دارد و ضربه های مهلکی به محیط زیست و بیوسفر وارد می کند.

امروز در حدود ۴۵ سال از کنفرانس بیونسکو (پاریس ۱۹۶۸) که بنام کنفرانس پاریس در تاریخ ثبت شد، می گذرد. در این کنفرانس برنامه انسان و بیوسفر بررسی و مورد تأمین قرار گرفت.

اکنون به جرأت می توان گفت که در تحقق بخشیدن به مفاد اساسی این برنامه در مقیاس ملی، منطقه ای و جهانی، اقدامات قابل توجهی انجام گرفته و یک سری موفقیت های ارزنده نیز حاصل گردیده است. در بعضی کشورها برای محافظه بیوسفر و موجودات زنده، تدابیر مهمی اتخاذ گردیده، در این راستا احداث پارکهای ملی، قرقها، مناطق حفاظت شده، قراردادهای منعقد بین دولتها در مورد جل گیری از آلودگی اقیانوسها، حفاظت حیوانات در حال انقراض، محافظه پرندگان مهاجر گیاهان، برنامه های مبارزه با تهاجم صحراها، کنترل مواد سمی و غیره از تدابیر قابل توجهی می باشند.

تنظیم و ترتیب کتابهای قرمز در بعضی از کشورهای جهان، قرار دادن حیوانات و گیاهان در حال انقراض در این کتابها، جلب نظر دقت جهانیان به مسائل زیست محیطی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشند.

در سالهای اخیر در بعضی از کشورها در ترکیب کابینه ها وزارتخانه ها، کمیته و نهادهای دولتی، ارگانهای بازرسی که موظف به کنترل وضع محیط زیست و اجرای قوانین بازدارنده از آلودگی زیست محیطی می باشند تأسیس گردید. دانشمندان، جراید کشورهای مختلف رسانه های گروهی، الکترونیکی به طور مداوم لزوم حفاظت از محیط زیست را گوشزد می نمایند. یکی از موفقیت های بزرگی که در مبارزه با تخریب محیط زیست به دست آمده تشکیل سازمان جهانی «سبزها» می باشد. این یک نهضت عظیمی است که علیه تخریب محیط زیست در جهان به مبارزه می پردازد. کشتی هائی با پرچم نهضت «سبز» در اقیانوسها علیه آزمایشات هسته ای افتخارانه به مبارزه مشغولند. اعضای این نهضت با عشق و علاقه فراوان علیه آلودگی محیط زیست، نابودی آبزیان و حیوانات در حال انقراض، تخریب جنگلها مبارزه می نمایند. تاریخی بشری فداکاریهای مبارزان «سبز» را در مبارزه با آزمایشهای هسته ای فرانسه در اقیانوس فراموش نخواهد کرد. مبارزان بشر دوست و دوستداران طبیعت با کشتی های چوبی و کم تحرک خود در مقابل نیروی پر قدرت و پر تحرک جنگی دریائی فرانسه در منطقه آزمایشهای هسته ای صف کشیدند و اعتراضات و فریادهای خود را به گوش جهانیان رسانیدند، زنگ خطر را به صدا در آوردند.

امروزه مسائل محافظه از بیوسفر به مسئله روز تبدیل گردیده. در بیانیه های دولتی، مانیفستها، سخنرانیهای رؤسای دولتها، مقامات بین المللی این مسئله عرض اندام می نماید. که در بیشتر موارد اهمیت تبلیغاتی دارد. با نهایت تاسف باید گوشزده نمود که مفاد اساسی طرحها، قراردادها

اکسیدهای گوگرد، ازت به مقدار زیادی موجود می باشد که با آب ترکیبات جدید تولید می کنند و بارانهای اسیدی را به وجود می آورند. و خاک و آب را آلوده ساخته باعث از بین رفتن جنگلها و مراتع می گردد. در دهه های اخیر قرن بیستم چنین باران هایی ضایعات زیادی به کشورهای اروپای شمالی و کانادا وارد نمودند. منبع و منشاء این آلودگی کشورهای صنعتی اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا می باشد. این بارانها دارای pH ۳-۴ بوده و در ترکیب خود به مقدار زیادی اسیدسولفوریک و سایر اسیدها دارا می باشند. سوخت مواد فسیلی انرژی را هم در آلودگی محیط زیست نقش مهمی دارد. هنگام سوخت مواد فسیلی به مقدار زیادی ترکیبات گوگردی، سربی، کادمیوم، دی اکسید کربن، مونو اکسید کربن و مواد آلی نیم چرخشی وارد اتمسفر می گردد. پدیده آرونگی هوا یا انورژن ایجاد کرده باعث آلودگی شدید آن می شود. امروز به جرأت می توان گفت که ما شاهد آلودگی شدید اتمسفر هستیم و خود در آن سهیم می باشیم. ما شاهد به عمل آمدن یک پوشش گرد و خاکستر به روی مواد موجود در خشکی، آلودگی اتمسفر با گرد و خاک، برگشت دوباره آنروزولها و گردهای آنروپوژن و ترکیبات مختلف به زمین و اقیانوسها هستیم. در آلودگی محیط زیست، بیوسفر و خاک، حمل و نقل مواد سرختی، سنگهای معدنی، درختان جنگلی وسایل و مصالح ساختمانی نفت و گاز و مواد خام آلی نقش قابل توجهی دارند. بر طبق تخمین های دانشمندان مقدار عمومی انواع محصولات صنعتی و غیر صنعتی که حمل و نقل می گردد در سال ۲۰-۱۰ میلیارد تن می باشد. ضایعات این مواد هنگام بارگیری، حمل و نقل و باراندازی رقم قابل توجهی تشکیل می دهد و به آلودگی خاک، منابع آبی و اتمسفر می انجامد.

بر طبق آمارها ی F.A.O در جهان سالانه در حدود ۳۵۰-۳۰۰ میلیون تن کودهای مختلف تولید می گردد و اگر تولید آهک، ژپس و آگروبیوسایدها را هم در نظر بگیریم این رقم به ۵۰۰-۴۵۰ میلیون تن خواهد رسید. طبق برآوردهای دانشمندان به هکتار زمین سالانه در حدود ۴۰-۳۰ کیلوگرم کود و مواد کودی داده می شود. در کشورهای پیشرفته مصرف کود ۱۰-۵ دفعه زیادتیر می باشد. لازم به تذکر است که کودها و مواد شیمیایی در ترکیب خود به مقدار زیادی فلور، کادمیوم، استرانسیوم، جیوه و سایر عناصر دارا می باشند که وارد قشر حاصلخیز خاک کرده، در آنجا می مانند و پیامدهای نامطلوبی برای جانداران دارند. بدین ترتیب ما شاهد شیمیزاسیون همه جانبه و بدون توقف محیط زیست و آلودگی آن می باشیم که زاینده عوامل تکنوژن و آگرونومیک بوده و وضع اولیه ژئوشیمیایی را در بیوسفر به شدت تغییر داده ایالات «بیوژئوشیمیایی» با محدوده های «ماکسیمم» عناصر و «مینیمم» آنها ایجاد می نماید که تأثیر تعیین کننده ای در سرنوشت موجودیت انسانها، احشام و گیاهان دارد. بطوریکه ملاحظه می فرمائید ما شاهد تغییرات بزرگ و در بعضی موارد تغییرات بنیادی در طبیعت هستیم که ناشی از آلودگی زیست محیط می باشد.

و تمهیدات گردهمائی های جهانی سالهای گذشته کاملاً تحقق نیافته وضع همچنین بحرانی باقی مانده و حل این مشکل به عهده نسلهای آینده واگذار گردیده است. در این بین تغییرات، در بعضی موارد تغییرات بنیادی در بیوسفر همچنان ادامه دارد. ملاحظاتی در مورد تغییرات موجود و احتمالی در آینده در بیوسفر، در صورتی قابل درک است که عوامل آنروپوژن با حوادث طبیعی و روند آنها مقایسه گردند. فعالیت انسانها در صد سال گذشته مرزهای بیوسفر را تا اعماق زمین و اقیانوسها، تا ارتفاعات استراتوسفر (Stratosfer) و فضا وسیع تر کرده که در نتیجه فعالیت بیوسفر و تولید مواد زنده و زندگی را تقلیل یافته است.

در فر پند تکامل، خود انسان در بیوسفر سیستم جدید - تکنوژن شهری تکنوسفر (Teknosfer) ایجاد نمود. فرق بین تکنوسفر و بیوسفر در این است که تکنوسفر سیستم منشکل و خودگردان نمی باشد، بلکه تحت سیستم های پیچیده تشکیل گردیده و به مشابه یک کنگلومرا می باشد که از طرف انسان اداره می گردد. این سیستم اکسیژن را نپوده و انرژی تولید نمی نماید بلکه از انرژی موجود استفاده کرده و توده بیولوژیکی موجود را مصرف می نماید.

پیدایش تحت سیستم های متعدد و سیستم تکنوسفر در مرزهای بیوسفر مشاهده می گردد که وضع بیوسفر را پیچیده تر کرده است. اکوسیستمهای متعدد بیوسفر، با فعالیتهای آنروپوژن و عوامل مورد تغییر واقع گردیده است. امروز کاملاً معین گردیده که در یک مساحت بزرگی ۲۵-۳۰ درصد خشکی زمین به اکوسیستمهای طبیعی مورد تغییر واقع شده و کاملاً با سیستمهای تکنوژن عوض گردیده است. در این بین انسان هنوز نتوانسته بین بیوسفر و تکنوسفر رابطه متقابل، منشکل ایجاد نموده به روند حوادث تأثیر نماید، این در صورت امکان پذیر خواهد بود که با تکامل جمعیت بشری مسائل مربوط به انرژی اوتوتروف حل گردد. وضع در کشاورزی و آگروسنوز کمی متفاوت می باشد. باید اظهار نمود که بازدهی بیولوژیکی و انرژی تکنیک کشاورزی در صورت تطبیق تمهیدات و شیوه های معاصر علمی و تکنیکی با موفقیت می تواند بخشهایی از بیوسفر را تکمیل کرده و در بعضی موارد عوض نماید.

برای تحقق بخشیدن به این مسئله باید در اکوسیستمهای مخروبه و خاکهای فاقد حاصلخیزی و همچنین در مناطق آرید و صحرائی سیستمهای جدید و محصولده کشاورزی، اصلاح خاک گردیده و جنگلداری ایجاد نمود. این سیستم ها قادر خواهند بود که فضولات و فاضلاب تکنوژن را مورد استفاده بهینه و مثمر قرار داده و میزان محصولدهی بیولوژیکی را بالا ببرند. البته مسئله آلودگی محیط باید در درجه اول اهمیت باشد. در سالهای گذشته در ژاپن، کانادا بر اثر آلودگی محیط (آب، خاک و هوا، مواد غذایی) با ترکیبات کادمیوم و جیوه که زاینده صنایع نامبرده در بالا می باشد. کارگران و ساکنین مناطق آلوده مسموم گردیده، عوارض و بیماریهای زیادی در بین آنها مشاهده گردیده است. جیوه، سرب، روی، کرم، به طور مداوم در آنروزول، گازها، ایستابها شهری مشاهده می گردد. در هوای این مناطق آلوده همچنین گاز منواکسید کربن،

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان بمناسبت هفتاد و دومین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

طبقاتی و رسوبات تبلیغات باز ماده از دوران ستم شاهی نقش کمی در به انزوا کشاندن و تفرقه احزاب سیاسی نداشت. مبارزات مردم در چارچوب اصلاح طلبی و جنبش سبز، بویژه نقش آفرینی توده ها در تحولات سیاسی - اجتماعی ضربات جدی بر بسیاری از پیشداوری ها زده است. با این همه جا دارد از فرصت بزرگداشت سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران استفاده کرده، به بازگویی و تجربه اندوزی از تاریخ برخاسته و همه سازمان ها و نیروهای اجتماعی مردمی را دعوت کنیم تا به بررسی منصفانه عملکرد خود برخیزند و از این رهگذر راه را برای اتحاد عمل همه نیروهای مدافع آزادی، استقلال طلب و عدالت خواه بگشایند.

بدین وسیله سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران را به همه رهبران، اعضاء و هواداران این حزب تبریک گفته، اتحاد عمل همه نیروهای مترقی و آزادیخواه را در این شرایط حساس کشور آرزومندیم

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

۱۰ مهر ۱۳۹۲

هفتاد و دو سال پیش، در تاریخ سیاسی کشور ما حزبی متولد شد که به گواه دوست و دشمن چهره سیاسی کشور را دگرگون و مبارزات مردم و بویژه زحمتکشان را سمت و سوی ترقیخواهانه داد. تشکیل اتحادیه های کارگری و دهقانی، تشکل های زنان، دانشجویی و دانش آموزی، کانون های ادبی و فرهنگی، جمعیت صلح و مبارزه با فاشیسم، سازماندهی علیه دیکتاتوری، مبارزه برای دمکراتیزه کردن کشور، مبارزه در راه احقاق حقوق زحمتکشان و خلق های ساکن ایران از جمله اهدافی بود که از همان ابتدا در دستور کار این حزب قرار گرفته بود. پیوندهای عمیقی که حزب توده ایران توانسته بود در همان آغاز کار با اقشار گوناگون جامعه بخصوص زحمتکشان برقرار کند، این حزب را به سرعت به یک حزب فراگیر و قدرتمند تبدیل کرد. برنامه های حزب توده ایران برای رهایی کشور از عقب ماندگی، بهبود معیشت مردم، آزادی های دمکراتیک و رفع ستم ملی با واکنش شور انگیزی روبرو شد. گرایش اقشار و طبقات بویژه زحمتکشان به سمت این جریان سیاسی در تاریخ سیاسی ایران بی نظیر بوده است. در آذربایجان استقبال از برنامه های حزب در حدی بود که در همان ابتدای امر نزدیک به هفتاد هزار نفر عضویت آن را پذیرفتند.

حزب توده ایران با انتشار دهها روزنامه، مجله، صدها کتاب و سازماندهی اجتماعات و متینگ های روشنگری به یکباره افق روشنفکری جامعه استبداد زده و عمیقاً عقب مانده کشور را دگرگون کرد. این حزب توانست در مدت کوتاهی خدمات شگرفی در عرصه سازماندهی و پیشبرد مبارزات توده های مردم در راه بهبود شرایط زندگی زحمتکشان مانند تصویب قانون کار، مبارزه علیه ارتجاع و غارتگران داخلی و افشای ماهیت امپریالیسم جهانی پیش ببرد.

با تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴، دهها هزار نفر از اعضاء و کادر های حزب توده ایران به صفوف تشکیلات فرقه پیوستند. چند دهه مبارزه دوشادوشی توده ای ها و فرقه ای ها صفحات درخشانی را در تاریخ مبارزات نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور رقم زده است. بدون تردید نام حزب توده ایران با سازماندهی توده ها جهت دستیابی به آزادی، پیشرفت و ترقی کشور و مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم جهانی گره خورده است. واقعیتی که دشمنان خلق ها، زحمتکشان و نیروهای مترقی کشورمان با انواع توطئه ها، تاریخ سازی ها و ترفندهای عوام فریبانه در تلاش نمایش وازگونه آن هستند. ارزیابی و بررسی تاریخ سیاسی دهه های اخیر کشور بدون در نظر گرفتن نقش حزب توده ایران به معنی رواج تحزب و سیاسی ورزی ناقص و غیر واقعی است. بررسی و ارزیابی ناقص و غیر واقعی تاریخ، انکار و نادیده گرفتن جا و موقعیت حزب توده ایران در تاریخ مبارزات مردم و نیاموختن از تجربه های تاریخی آن چه از نظر تنگ نظری طبقاتی و چه از روی اشتباه و نا آگاهی، اتحاد عمل همه نیروهای ملی و دمکراتیک را به تاخیر خواهد انداخت.

تجربه انقلاب بهمن ۵۷ در این زمینه پندآموز است. در آن زمان هر چند جان سختی ارتجاع و ضد انقلاب در به شکست کشاندن انقلاب نقش اساسی داشت، اما کم تجربگی سازمان های سیاسی مدافع مردم، انحصارطلبی و تنگ نظری های

**تاریخ گذشته و حال ملل
ساکن ایران همچنین پیدایش
جریانهای مترقی در جهان
طلب میکند که حاکمیتها،
دمکراسی سیاسی را نهادینه
کنند و زمینه مشارکت همه
ملل را در حیات سیاسی
کشورشان فراهم آورند. از
همین روست که امروز
تشکیل دولت فدرال در ایران
به یک مسئله مبرم روز
کبدل شده است.**

**از کارپایه فرقه دمکرات
آذربایجان**

با خشک شدن دریاچه ارومیه سه میلیون آذری کوچ اجباری می کنند

مقیاسی بزرگتر در کل کشور ما با وسعت یک میلیون و ۶۴۸ هزار هکتار در حال رخ دادن است.

– مهمترین عامل این بحران این بود که اوایل دهه هفتاد که وسعت اراضی کشاورزی زیاد شد، مسئولان اجازه دادند ۳۸۰ هزار هکتار زمین کشاورزی به حوزه آبخیز این دریاچه اضافه شود. با این روند فعلی، ما دریاچه را از دست می دهیم و بخشی از آب شرب و توسعه خدمات و صنعت ما هم دچار مشکل می شود.

– وقتی می گویند ۲۴ هزار حلقه چاه غیر مجاز و ۷۲ سد کوچک و بزرگ در منطقه حفر شده و وسعت اراضی کشاورزی بیش از ۱۰۰ درصد زیاد شده، آیا درست است که ما انگشت اتهام را به سوی آسمان نشانه برویم. ما طی پنج سال گذشته ۲ متر از عمق آب دریاچه را از دست داده ایم. بنابراین باید قبول کنیم که چه اشتباهات مدیریتی مرتکب شده ایم و طراحی مهندسی حوزه آبخیز دریاچه را بر اساس توانایی بوم شناختی منطقه از نو تعریف کنیم.

– به دنبال خشک شدن دریاچه ارومیه چندین هکتار از زمین های کشاورزی خشک می شود و در نهایت کارخانه ها تعطیل می شود و همین مسئله منجر به کوچ اجباری ۳ میلیون نفر از مردم آذربایجان خواهد شد.

– تمامی اتفاقات در دریاچه ارومیه معلول یک اتفاق بزرگتر است و اینکه آبی را به دریاچه ارومیه ببریم صحیح نیست. مدیریت غلط و ناصحیح استفاده از آب در کشور موجب کاهش آب دریاچه ارومیه شده است. در تمام دنیا آب های زیرزمینی به عنوان ذخایر احتیاطی محسوب می شود ولی در کشور ما چنین اتفاقی نمی افتد و از آب های زیرزمینی استفاده می شود و مطمئن باشید اگر این شیوه مدیریت اصلاح نشود مشکل های بزرگتری خواهیم داشت.

– امروز مشکل ما خشکسالی و کم آبی است، اما ممکن است فردا بارش خوبی داشته باشیم و مشکل دریاچه حل شود و رود ارس هم طغیان کند و همه روستاها را زیر آب خود ببرد. این نشان می دهد که وزارت نیرو بلد نیست کار کند، فقط بلد است آب بفروشد.

چرا آب استان ما را به نیروگاه ها و ذوب آهن می دهید؟ شما ۲۷ متر مکعب از آب دریاچه را به استان های دیگر می برید که خودش به اندازه حجم آب یک دریا است. می خواهید ما را فلج کنید؟

– ببینید چه بلایی سر خوزستان آمده است. تمام تالابهای خوزستان با مشکل عظیم روبرو شده، از جمله تالاب شادگان که تالاب بین المللی ماست. یک میلیون نفر نخل در اوند کنار خشک شده است. **ادامه درص ۱۰**

دریاچه ارومیه یکی از تالاب های کنوانسیون رامسر است و در سطح کشور نیز به عنوان پارک ملی یاد می شود. ... سالیان سال است که این دریاچه مادر منطقه و کشور بوده است و نابودی آن این غم و اندوه را به دل دوستداران محیط زیست راه داده است.

در مناظره بررسی وضعیت دریاچه ارومیه و راهکارهای نجات آن که با حضور وحید جلالزاده استاندار آذربایجان غربی، احمدعلی کیخا معاون سازمان محیط زیست، منصور حقیقت نماینده مجلس شورای اسلامی، ناصر قاضی پور نماینده مجلس شورای اسلامی، محمد درویش عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع کشور و علیرضا دائمی سرپرست معاونت آب و آبفای وزارت نیرو که از شبکه یک سیمی جمهوری اسلامی پخش شد.

در این مناظره تلویزیونی که در اواخر شهریور ماه صورت گرفت. علیرغم هر نتیجه ای که داشت، بدلیل آنکه برای اولین بار یکی از بزرگترین مشکلات زیست محیطی کشور را به میان مردم می برد، مثبت بود. در این مناظره که گاهی هم با تنش روبرو بود، قبل از هر چیز ثابت کرد که با گذشت سالها از بحرانی شدن وضعیت دریاچه ارومیه، در میان مقامات مسئول نه تنها راهکار و برنامه منسجمی برای حل این بحران وجود ندارد، بلکه در میان شرکت کنندگان بودند افرادی شناخت کافی از ابعاد این فاجعه نداشتند. به همین خاطر دیدگاهها و راهکارهای ارائه شده در تناقض با هم و بعضا غیر علمی و غیر واقعی می نمود. تنها نتیجه ای که از این مناظره می توان گرفت، بیان برخی از مشکلاتی است که باعث خشک شدن دریاچه ارومیه شده از لابه لای اظهارات شرکت کنندگان است که به اختصار می خوانید:

– سدسازی توسعه کشاورزی، مدیریت منابع آب و تحقیقات اقلیمی از جمله عوامل موثر و کاهش آب دریاچه ارومیه بوده است

– هم اکنون ۷۰ درصد مساحت دریاچه ارومیه از سمت جنوب کاملاً خشک شده است و نجات این دریاچه نیازمند همکاری تمامی بخش ها است.

– برنامه ریزی غلط و مقطعی و همینطور استعدادیابی غیر کارشناسی و غیر منطقی باعث شده است که دریاچه ارومیه با یک بیماری روبرو شود.

– دریاچه ارومیه ۱۴ میلیون مترمکعب کسری آب دارد و اگر مدیران به درستی برنامه ریزی می کردند دچار این مشکل نمی شدیم. مصوب کردند که زمین های کشاورزی از ۱۱۰ هزار هکتار به ۴۵۰ هزار هکتار افزایش یابد که این اقدام به ضرر دریاچه ارومیه بود.

– طرح ریزی هایی برای احداث سدهای فراوان که هم اکنون نیز ۶۵ سد در دستور ساخت است، لطمه زیادی به دریاچه ها می زند. ۳۰ هزار چاه در مناطق ارومیه حفر شده است که این اقدام غیرقانونی است.

– اتفاقی که دارد در حوزه آبخیز دریاچه ارومیه با ۵/۲ میلیون هکتار وسعت، یعنی وسعت پنج برابر لبنان می افتد، در

باخشک شدن....

– این طرز تفکر و شیوه مدیریت در کشوری که در کمربند خشکسالی دنیا قرار دارد و ممکن است تفاوت ریزش های آسمانی در آن طی دو سال بین ۶۰ تا ۷۰ درصد باشد، تفکر خطرناکی است. ما تنها در صورتی مجاز به انتقال آب بین حوزه ای هستیم که خطر مرگ مردم وجود داشته باشد! هزینه این انتقال ها سرسام آور است. کدام کشاورز با آب ۲/۸ دلار می تواند روی پای خود بایستد؟

– راندمان کشاورزی در کشور ما ۳۰ درصد و ضایعات آن ۳۵ درصد است. اگر ما این همه هزینه انتقال آب را صرف افزایش بهره وری کشاورزی می کردیم و راندمان آن را به حد استاندارد می رساندیم، این کشاورزی می توانست با همین میزان آب سه برابر اکنون بازدهی داشته باشد.

– باید سد سازی ها و مطالعه آن متوقف شود باید از تبخیر بیش از حد آب جلوگیری به عمل آید و باید به موضوع کمربند سبز توجه ویژه ای شود. و یکی دیگر از اولویت های محدوده دریاچه ارومیه جمع آوری فضلاب های این حوزه است.

– سال گذشته معاونت نظارت جهاد کشاورزی تأکید کرد که بودجه ای برای اجرای تعهدات مربوط به دریاچه ارومیه وجود ندارد و این در حالی است که هم اکنون رقم قابل توجهی از سوی برخی از افراد برای رفع مشکل دریاچه ارومیه اعلام می شود.

– مشکل زیست محیطی را نباید امنیتی کنیم افرادی به واسطه محیط زیست هنوز در زندان هستند. شاهد آن هستیم که بعضی از گرایش های سیاسی و قومی در پروژه ها دخیل هستند.

– در قانون اساسی هر گونه فعالیتی که مبتنی بر تخریب محیط زیست شود ممنوع است. اهمیت بهینه سازمان حمایت از محیط زیست به نوع نگاه دولتمردان بستگی دارد اگر آن ها به مسائل محیط زیست توجه داشته باشند می توان خیلی از مشکلات را حل کرد.

**سندیکا و اتحادیه های
مستقل، اعتصاب، تحسن و
گردهمایی از حقوق مسلم و
شناخته شده جهانی
کارگران است.**

تارنیل امید**نوز هاینا قالان قارداش**

انسان گرم توخوم کیمی،
سپه لنسین.
عملیندن هر بوجتغا
نور النسین.
او، قوروسون هر اوجاگی
قویماسین کی، اودو سونسون.
دوره سیندن قاچان وارسا،
نه همکاردی نه سیرداش.
نوز هایینا قالان قارداش،
نه قارداشدی نه یولداش.

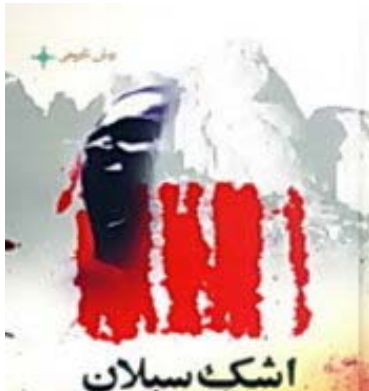
آغاجلاردا سیرا- سیرا
اکیلدیکجه باغ اولار.
انسانلاردا بیرلشدیکجه
گوجو آرتار داغ اولار.
اوره بیمده دیل آچارلار،
گول آچارلار آرزولار.
یارالییا جان وئرمه یین،
نه دینسیردی نه دینداش.
نوز هایینا قالان قارداش،
نه قارداشدی نه یولداش.

میسرالاردا دوزولدوکجه
اودوم، کوزوم ایسته بیم.
بو دنیانی دوزلتمه یه
گوجوم چاتمیر نئیله بیم.
تک آز ادلیق عقیده مدی
وطن منیم کوینه بیم.
عقیده سیز انسان نوزو
لازمسیردی، بیر نیمداش.
نوز هایینا قالان قارداش،
نه قارداشدی نه یولداش.

حق یولونون یولچوسویام
حقه سیغین اثریم.
یوردوم ایچون الیم ایچون
ایگیدلیم کسیریم.
بیر ایسته بیم وارسا اودا
ایسته بیدیر بشرین
انقلابا چوریله حک
سینمده کی بو تلش
نوز هایینا قالان قارداش،
نه قارداشدی نه یولداش.

نقد و نظری به "رمان تاریخی اشک سبلان"

نوشته ی ابراهیم دارابی



از احساسات و عواطف برجسته انسانی و عامل عمده پیوند های آرمیان است از محتوی تهی، در نهایت ناپود می سازد. رمان با درخششی کم نظیر همه این موارد را با زبانی هنری در شکلی عالی ترسیم می نماید و با جانب داری از ارزش های اصیل انسانی آن را مورد نقد و نگاهش قرار می دهد.

خواننده در رمان پس از سرکوب نهضت مردم آذربایجان و در ادامه ی روند رویدادها تا مقطع کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۹۲ با دلشوره ها، اضطرابها و دلنگی های مردمان و شوروشوق مبارزان برای ملی کردن صنعت نفت عمیقاً سهیم می گردد. نویسنده با چیره دستی نه تنها خواننده را با عمق حوادث آن سالها آشنا می سازد، بلکه با توصیفی عالی از حوادث، خواننده را همراه با توصیفات خود به فضای آن سالیان پرامید می برد.

در رمان سیر حوادث چنان ترسیم می گردد که خواننده با پیشرفت مطالعه رمان نمی تواند به خود بقبولاند همه این تحولات نفس گیر سرشار از بیم و امید به روز تاریک و خونینی در ۲۸ مرداد ختم خواهد شد. در این کتاب حکایت روز کودتای امپریالیستها و دربار بر علیه دولت ملی شادروان مصدق با تبحر شگفتی در باز آفرینی حوادث آن روز و تصویر شفاف شورمبارزان پیگیر برای مقاومت در برابر عوامل مزدور و نوچه های دربار، و نمایش تردید برخی نیروها در انتخاب راه و روش خود چنان با شور و شعور هنرمندانه ای نقش بسته است که تصویرگر گویا تری از هر کتاب تاریخی از رویدادهای آن روز شوم که منجر به استقرار ۲۵ سال حکومت پلیسی و مخوف دیکتاتوری شاه گردید می باشد.

دارابی در این رمان با عروج به اوج مرزهای آفرینش هنری ارزش روش شناخت هنری از یک جامعه را به نمایش می گذارد و نشان می دهد که در راه شناخت جامعه در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روحی روانی افراد، هنر چه جایگاه والا و ارجی در خور دارد. نویسنده در این کتاب در نمایش چهره زن ایرانی در یک اثر هنری سخنان گفتنی بسیاری برای خواننده دارد. دارابی از غنچه، پیرزن زحمتکش و دردمند رمان، چنان تصویر پر احساسی ارائه می کند، یا از فخری و گلزار باچنان شیوایی سخن می راند که خواننده به هیچ عنوان نمی تواند، شانای را که در عمق معنای واژگان مبارز مقاوم و درد آشنایی است و شخصیت پر جذبه ای دارد را بر آنها ترجیح دهد. دارابی نشان می دهد که در یک جامعه انسانها در وجوه گوناگون فکری و روحی و عقیدتی همه دوست داشتنی، دلپذیر و پذیرفتنی اند.

نویسنده آگاهانه با توصیف زندگی پر رنج قهرمانان مبارز از قهرمان پروری کاذب به روشی هنرمندانه و ادبی دوری جسته است. نویسنده در آفرینش و خلق تمامی فضاهای رمان، از دراز گویی پرهیز و در روایت رویدادهای تاریخی از پیچیده ترین حوادث کشور در آن سالها با سادگی زیبا و دلنشین سخن می گوید.

ادامه درص ۱۲

در این دوران و شرایط حساس، خطیر و سرنوشت ساز میهنمان با چندین دهه بمباران تبلیغات آریا مهری و نیروهای واپسگرا برای وارونه جلوه دادن روند تاریخ معاصر ایران، دگرگون نمایاندن واقعیتها و رویدادهای تاریخی بسیاری حقایق از دید مردم میهنمان پنهان نگه داشته شده ((رمان تاریخی اشک سبلان)) از کتابهایی است که ضرورت خواندن و دقت و تأمل بر مطالب مطروحه ی آن نیازی ست انکارناپذیر. در این کتاب که آن را نشر دنیای نو در ۱۲۶۹ صفحه منتشر کرده است، رویدادهای تاریخی کشورمان از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۷ به روشی هنری - تخیلی، برگرفته از واقعیت های اجتماعی آن دوران بازگو می شود. در کتاب آموختنی های فراوان تاریخی- هنری می توان یافت که با قلمی جذاب و گیرا ساخته و پرداخته گشته است.

مردم آذربایجان در سال ۱۳۲۴ در یک جوشش تاریخی با قیامی پر شکوه علیه مظالم اجتماعی و اقتصادی وحشتناکی که تحت سیطره حکومت ارتجاعی شاه در حقشان اعمال می شد، دولت مترقی خود مختاری را پایه نهادند، که دفاع از منافع تاریخی آنان در چارچوب ایرانی دمکراتیک را خواستار بود. قوام السلطنه این پیر کهنه کار فعال در عرصه سیاست آن روز ایران که از مزدوران دیرین استعمار بود، در مقام نخست وزیری شاه با هدایت امپریالیستها نقشه سرکوب مردم آذربایجان و نابودی دولت خود مختارشان را کشید، و آن را با هم دستی ارتجاع حاکم و همکاری امپریالیسم به وحشیانه ترین شکلی به مرحله اجرا گذاردند. ارتجاع با کشتار وسیع و بی رحمانه ی مردم آذربایجان به انتقام گیری از مردم زحمتکش این خطه از کشورمان برآمد. ارتجاع پس از سرکوب قیام، و قبحانه در تبلیغاتی بی شرمانه عمل ننگین خود را با توسل به این حربه که هدف واقعی قیام تجزیه طلبی بوده است و نه دستیابی به منافع حقه خود توجیه کرد. رسوبات این تبلیغات شاهی هنوز هم تأثیرات منفی خود را در آشناری از افراد جامعه نه تنها از دست نداده، بلکه در اشکال گوناگونی به باز تولید خود می پردازد.

این وقایع در رمان زیبا و خواندنی آقای دارابی، آنچنان مستند، واقعی و هنرمندانه به تصویر کشیده شده است، اغراق نیست اگر سندی تاریخی بر حقانیت مردم مظلوم و ستم کش نامیده شود، که به شیوه هنری شگرفی همراه با نثری ساده، عمیق و با بیان ادبی زیبایی در خور ظرفیتهای فرهنگی جامعه ی امروزین ما به رشته تحریر در آمده است.

در رمان آقای دارابی کلارا دختری است که بر خلاف میل پدر و مادرش می خواهد همسر مرد جوانی گردد که به مبارزه اجتماعی ایمان دارد و با تمامی وجود خود درگیر مبارزه است. درست به همین علت این وصلت مورد مخالفت شدید والدینش واقع می شود. پدر و مادر کلارا خرده بورژوازی مرفه تمام عیاری هستند که در زندگی جز به منافع تنگ نظرانه ی کوتاه مدت خانوادگی خود نمی اندیشند. و به مردمان فرودست جامعه با دیدی خودبرتربینانه و کینه توزانه می نگرند. این خانواده فارغ از هر نوع حس همدردی با دیگران در تجملات دنیای مبتذل خود غرقه اند. ولی کلارا دختر خانواده علیرغم میل آنها به همسری آیدین درآمده و در راه مبارزه اجتماعی پای می گذارد. در این راه هر مشقت

و مرارتی را به جان خریده هیچگاه در سراسر عمرش با وجود همه فشارهای زندگی دست نیاز و یاری به سوی پدر و مادرش دراز نمی کند. سرگذشت کلارا در رمان به عیان بیانگر روحیه استقلال طلب، ترقی خواه، عدالت جو همراه با عزت نفس زن نو اندیش ایرانی است که به شیوه هنری بسیار درخشان و پراحساسی پرداخت شده است. و بیانگر شناخت عمیق نویسنده از افکار ارتجاعی و فرهنگ منحط پدر سالار و خود محوری است که در تداوم و رشد خود سنجایی انسانی افراد را زایل و فرد را عاری از احساس و عاطفه می نماید. این فرهنگ حس هم دردی و مسئولیت خانوادگی را که

نقد و نظری به....

دارابی در خلق فضایی که خواننده دریابد این رویدادها در کدامین موقعیت اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی رخ می دهد، به همان سبک ساده گوئی وفادار است که بر جذابیت کتاب بسی می افزاید. ما در این رمان شاهد انسانی ترین و عاطفی ترین روابط همبستگی زنان و مردان در کار و پیکارشان هستیم. رمان نشان می دهد که زنان و مردان در کار تلاش، زندگی و رزم اجتماعی دوشادوش همند. همبستگی انسان ها جزء جدایی ناپذیر زندگی مشترک در تمامی ابعاد و در تمام حوزه های مختلف اجتماعی است. این امر در بازگویی روابط خانم راد با آواز، کلارا و الیاس با شانی، کلارا و گلزار با سعید، فخری با رامین با برجستگی خاصی برای خواننده آشکار می شود.

پس از پیروزی کودتا و یورش بربر منشانه رژیم شاه بر علیه مردم و مبارزان در راه تثبیت حکومت ننگین خود که منجر به دستگیری ها، شکنجه ها و اعدام های گسترده و وسیعی می گردد. (حبیب) حبیب پیرمردی است که پسر و دامادش در پی اعدام ناجوانمردانه عده ای از افسران آزادی خواه توسط رژیم کودتا اعدام شده اند. در صحنه ای که واگویی دردمندانه و جانگداز این پیرمرد رنج کشیده با خود بر سر قبر فرزند برومند و داماد شجاعش تصویر می شود و انتقادی که پیرمرد از جریان لو رفتن عزیزان دلبندهش بیان می نماید، دارابی با طرح عمیقاً منطقی فرهنگ انتقاد و ترسیم خط جداکننده ی شرافتمندانه میان انتقاد با تخطئه و مغلظه، با شیوه ای هنرمندانه خواننده را به مرزهای داوری فرا می خواند.

هر گاه نویسنده ای تعهد را در هنر و هنر را در تعهد، صداقت و امانت را در بازگوئی روایت های تاریخی توأمان کند، نکات بسیاری می توان از نوشته ای او آموخت. کتاب "اشک سیلان" از مطالب گوناگونی از این دست آموختنی سرشار است. در رمان "اشک سیلان" سرنوشت کودکانی چون یاشار و بابک، پژمان، نسترن و تamarادر بستری از درد و رنج، همراه با عواطف و دنیای کودکان با احساس عمیقی ترسیم شده است. چنان که دنیای پر شوق و آرزوهای پرسوز و گداز کودکان به صورتی کاملاً زنده و روشن در پیش چشم خواننده رژه می روند.

نویسنده در پرداخت شخصیت کیوان، کودکی که بنا بر شرایط خاص تربیتی و محیط خانوادگی، فاقد هرگونه صداقت و احساس دوستی صادقانه با سایر کودکان است و بنابر مقتضای سنی خود روح جاسوسی و تزویر و ریا در وجودش دمیده شده، دانش ژرف و شناخت عمیق خود از کودکان و روحیات آنها را و این که بسترهای زندگی در محیط اجتماعی و خانوادگی چه نقشی در تربیت و شکل گیری و تکوین شخصیت آتی آنان دارد به نمایش می گذارد. رمان صحنه های پر شکوهی از رویدادهای دهه چهل و پنجاه کشورمان را که در بستر شرایط اجتماعی و خفقان پلیسی و

امنیتی حاکم آن دوران عده ای از جوانان عدالت خواه مبارزه ی مسلحانه را بر علیه رژیم شاه آغاز می کنند، به انتقاد تند و نفی اشکال دیگر مبارزه بر می خیزند، به نمایش می گذارد. قلم نویسنده در تحلیل موقعیت خاص تاریخی آن دوران کشورمان در پیوند با مسائل جهانی چنان فضای ملموس و زنده ای خلق و باز آفرینی می نماید، که به راستی تحسین بر انگیز است. کتاب دارابی در این زمینه از هر کتاب تنوریک و تاریخی گویا تر است.

روح رئالیستی حاکم بر کتاب که در ابعاد مختلف هنری و در فضاهای گوناگون و متنوع دلپذیری ارائه می شود ستودنی و در خور ارزش و احترام است. با تعمقی بر سبک و محتوای بس غنی این اثر دریافته می شود: در عرصه ادب و فرهنگ سرزمینمان رمان نویسی در این زمینه می رود تا به مرزهای پر شکوه و نوین و آموزنده ای دست یابد. درست به همین دلیل این کتاب جایگاه خاصی در ادبیات داستانی کشورمان داشته و خواهد داشت.

صادق شکیب

زمین لرزه ای به بزرگی ۶٫۴، حوالی ارومیه را لرزاند



زلزله ای به بزرگی ۶٫۴ در مقیاس امواج درونی زمین، «سیلوانه» در استان آذربایجان غربی را لرزاند. تا بحال خوشبختانه گزارشی که باعث زیان های مالی و جانی شده باشد، مخابره

نشده است. شبکه های لرزنگاری مرکز لرزنگاری کشوری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران در ساعت ۱۳ و ۳۲ دقیقه و ۴۴ ثانیه روز جمعه، پنجم مهرماه، رخداد این زلزله را ثبت کردند. کانون زلزله در ۳۳ کیلومتری آذربایجان غربی گزارش شده است.

مختصات رومرکزی کانون این زمین لرزه که در ۱۰ کیلومتری عمق زمین به وقوع پیوسته، ۳۷، ۳۴ درجه عرض شمالی و ۴۵، ۱۰ درجه طول شرقی ثبت شده است.

دکتر مهدی زارع، معاون پژوهش و فناوری پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله در گفت و گو با ایسنا، گسل احتمالی مسبب این زلزله را گسل سرو با روند شمال غربی - جنوب شرقی عنوان و خاطرنشان کرد: آذربایجان غربی از مناطق لرزه خیز کشور است که زلزله های بزرگی مثل زلزله ۲٫۷ ریشتری سال ۱۳۰۹ سلماس و زلزله ۳٫۷ ریشتری سوم آذرماه ۱۳۵۵ چالدران ترکیه در این منطقه تلفات و خسارات سنگینی را به همراه داشته است. وی خاطرنشان کرد: در زلزله سلماس، این شهر به کلی تخریب شد و در کنار ویرانه های آن که هنوز برجاست، شهر شاهپور به عنوان نخستین شهر ایرانی با طراحی جامع شهری احداث شد که این شهر پس از انقلاب اسلامی به سلماس تغییر نام داد.

گفتنی است در ساعت ۹ و ۳۴ دقیقه صبح جمعه نیز زلزله ای با بزرگی ۲٫۴ در مقیاس امواج درونی زمین، آرادان در استان سمنان را لرزاند. سال قبل نیز در ۲۱ مرداد زلزله شدیدی به مقیاس ۶/۳ ریشتر استان آذربایجان شرقی را لرزاند که باعث ویرانی های شدیدی شد. این زلزله بیش از ۵۰۰۰ نفر کشته و زخمی به جای گذاشت. با اینکه بسیاری از شهرهای ایران از جمله شهرهای آذربایجان جزء مناطق زلزله خیز است تا به حال برای ایمن سازی این شهرها کار جدی انجام نگرفته است. به همین خاطر با هر زلزله ای بیم آن می رود که جان مردم به خطر بیفتد.

شروع سال تحصیلی

با وجود بیش از سه میلیون بازمانده از تحصیل

گفته بود: «بر اساس تحقیقاتی که در زمان حضور من در آموزش و پرورش انجام شد، بیش از سه میلیون و ۱۰ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل وجود داشت.» البته به جز الحسینی، محمداحسان تقی‌زاده، رییس موسسه آموزش از راه دور نیز در اردیبهشت ۸۸ در همایش موسسات از راه دور لرستان گفته بود: «بیش از سه میلیون بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارند.» اما حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر پیشین آموزش و پرورش این آمار و حتی آنچه معاون سازمان نهضت سوادآموزی گفته بود را کاملاً دروغ دانسته و گفته بود: کسانی که این آمارها را اعلام می‌کنند اصلاً نمی‌دانند عدد و رقم یعنی چه؟

آمارهای متناقض مسوولان آموزشی

حاجی‌بابایی در حالی همه آمارهای مربوط به کودکان بازمانده از تحصیل را تکذیب می‌کرد که همکاران وی در وزارت آموزش و پرورش قادر به تهیه آمار واقعی و صحیح از آن نبودند و حتی این پدیده برایشان چندان جدی نبود و سعی داشتند با ارایه آمارهای به اصطلاح دم‌دستی کنجکاو خبرنگاران در این باره فروکش کند. به طوری که یکبار رییس مرکز آمار وزارت آموزش و پرورش در دی‌ماه سال ۹۱ اعلام کرد ۱۵۹ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارند و بار دیگر معاون آموزش ابتدایی در شهریور ۹۲ آن را ۱۲۰ هزار مورد عنوان می‌کرد. آمار متناقضی که از دفتر دو مدیر با فاصله فیزیکی کمتر از ۱۰ متر بیرون می‌آید.

مرکز پژوهش‌ها: سه میلیون و ۲۰۰ هزار بازمانده از

تحصیل داریم

اما بالاخره چندی پیش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، آماري تکان‌دهنده از کودکان بازمانده از تحصیل منتشر کرد که آب پاکی را بر همه تناقض‌گویی‌های مسوولان آموزش و پرورش ریخت. طبق این آمار، هم‌اکنون سه میلیون و ۲۰۰ هزار کودک شش تا ۱۷ ساله در کشور وجود دارند که یا اصلاً به مدرسه نرفته‌اند یا به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند. این آمار منهای کودکان و نوجوانانی است که در سال‌های قبل از ۱۳۸۵، به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند و هم‌اکنون از چرخه نوجوانی وارد جوانی شده و پای در دهه دوم زندگی خود گذاشته‌اند. کسانی که از آمارهای مراکز پژوهشی خارج شده‌اند و دیگر از آنها به‌عنوان بازمانده از تحصیل یاد نمی‌شود. آنطور که علی باقرزاده رییس سازمان نهضت سوادآموزی در زمستان ۹۱ اعلام کرده است هم‌اکنون ۹ میلیون و ۷۱۹ هزار ایرانی بالای شش سال توانایی خواندن و نوشتن ندارند.

ادامه درص ۱۴

سال تحصیلی ۹۲-۹۳ آغاز شد بدون حضور میلیون‌ها کودک و نوجوان، نظام آموزشی کشور علیرغم وعده‌های مقامات، همچنان با مشکلات عدیده ای روبروست. هر ساله عده کثیری رفتن به مدرسه باز می‌مانند. مقامات مسئول نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی یا بطور کل منکر آن می‌شوند و یا با وعده‌های غیر عملی از کنار آن می‌گذرند. در آستانه بازگشایی مدارس روزنامه شرق به گوشه ای از این مشکلات پرداخته است:

فهمیه‌سادات طباطبایی - شرق: اول مهر زنگ‌ها که به صدا درمی‌آید دانش‌آموزان با کیف، کفش نو و لباس‌های یک‌شکل، دست در دست پدر و مادرشان یا همراه دوستانشان به مدرسه می‌روند، ولوله‌ای که در حیاط مدرسه از صدای ذوق‌زده دانش‌آموزان به پا می‌شود و دانش‌آموزان که به صف می‌شوند، این طرف دیوارهای مدرسه کودکان و نوجوانانی در خیابان‌ها، کوچه‌ها، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و... حضور دارند که اغلبشان دغدغه نان دارند و ثروت اندک را به علم بیشتر ترجیح می‌دهند.

کودکان و نوجوانانی که هیچ حامی و پشتیبانی ندارند که آنان را به حق اولیه‌شان یعنی تحصیل برگرداند و درس و مشقشان را پیگیر باشد. آنان بیرون از مدرسه و کلاس درس برای به دست آوردن یک لقمه نان مشغولند در حالی که میز و نیمکتشان خالی است و معلمی انتظارشان را نمی‌کشد.

البته تمام بازماندگان از تحصیل را کودکان کار تشکیل نمی‌دهند، بسیاری از آنان دانش‌آموزانی هستند که در سال‌های گذشته به دلایل مختلف ترک تحصیل کرده‌اند و عطای مدرسه رفتن را به لقای آن بخشیده‌اند.

آموزش و پرورش مولد بی‌سوادی

داستان غم‌انگیزتر اینکه وقتی وضعیت موجود را مرور می‌کنیم، می‌بینیم آموزش و پرورش نه تنها عزم جدی برای بازگرداندن این دسته از دانش‌آموزان به مدرسه ندارد بلکه خود با تکرار روش‌های نامناسب آموزشی و تربیتی به نوعی به مولد این پدیده شوم تبدیل شده است و عرصه را برای ریشه‌کنی بی‌سوادی هر روز گسترده‌تر می‌کند. طبق آخرین آماري که معاون سازمان نهضت سوادآموزی اعلام کرده بود، یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک و نوجوان در کشور، به دلایل نامشخصی به مدرسه نمی‌روند و درس نمی‌خوانند. آماري که «حسن الحسینی» معاون اسبق حقوقی و امور مجلس و سرپرست موسسه آموزش از راه دور وزارت آموزش و پرورش آن را نزدیک به چهار میلیون نفر در سال ۱۳۸۸ عنوان کرده و

شروع سال تحصیلی.....

اما نگرانی از آمار بازمانده از تحصیل‌ها در سال‌های اخیر تا جایی افزایش یافته که فرهاد بشیری، نماینده مردم پاکدشت در مجلس شورای اسلامی گفته است: با شرایط فعلی کشور و وضعیت موجود فرهنگی، حتی یک بیسواد هم برای جامعه زیاد بوده، این در حالی است که در برخی استان‌ها هنوز آمار نگران‌کننده‌ای از کودکان بازمانده از تحصیل وجود دارد که نشان‌دهنده نقطه‌ضعف در ریشه‌کن کردن بیسوادی است.

علل بازماندگی از تحصیل چیست؟

وزیر پیشین آموزش و پرورش همواره اعلام می‌کرد: «در همه کشور، حتی روستاهای دورافتاده و حتی برای یک دانش‌آموز امکانات آموزشی فراهم شده و کمبودی در این زمینه نداریم.» او درست می‌گوید چراکه این وزارتخانه در سال‌های گذشته امکانات آموزشی خود را به شکل موسسات آموزش از راه دور، مدارس شبانه‌روزی، مدارس بزرگسالان، کلاس‌های نهضت سوادآموزی فراهم کرده تا ادامه تحصیل برای آن‌دسته که به هر دلیل وارد مدرسه نشده‌اند، فراهم شود. ولی چرا با همه اینها و با وجود اینکه آموزش عمومی تا سن ۱۸ سالگی در ایران اجباری است و حتی قانون برای والدینی که مانع از تحصیل فرزندشان شوند، جریمه سنگین در نظر گرفته اما همچنان شاهد افزایش بازماندگان از تحصیل، آن هم در سنین شش تا ۱۸ سال در کشور هستیم؟

دانش‌آموزانی که به مدرسه باز نمی‌گردند

عبدالرضا شاهشوند کارشناس آموزش از راه دور در این‌باره به «شرق» گفت: اولین و اساسی‌ترین مشکل در این خصوص به نبود یک برنامه منسجم و منظم در وزارت آموزش و پرورش برای شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل بازمی‌گردد. در واقع آموزش و پرورش هنوز به درک و سواد کافی برای حل این مساله نرسیده یا چنان درگیر روزمرگی‌هایی همچون تامین سرانه مدارس، حل کسری بودجه و تامین حقوق معلمان و ... است که فرصتی برای این موضوع پیدا نمی‌کند. این کارشناس آموزش از راه دور افزود: دومین علت به کاهلی یا ضعف دانش مسوولان این وزارتخانه نسبت به ریشه‌یابی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان برمی‌گردد؛ اینکه چرا دانش‌آموزی در اواسط سال تحصیلی به یک‌باره از مدرسه خارج می‌شود و برای همیشه بازمی‌گردد در واقع این موضوع در آموزش و پرورش همچون سکنه مغزی است که در ظاهر مشخص نیست اما چون

موریه‌های تمام باطن آن را جویده است. شاهشوند تاکید کرد: مسوولان آموزش و پرورش نتوانسته‌اند نگرهبان خوبی برای قانون تحصیل اجباری تا پایان ۱۸ سال و همچنین جریمه سنگین والدینی که مانع از تحصیل فرزندانشان می‌شود، باشند.

این کارشناس آموزش از راه دور می‌گوید: همچنین نبود راهکار مناسب برای جلوگیری از خروج از مدرسه، یکی دیگر از عواملی است که موجب افزایش بازماندگان از تحصیل شده است. ما شاهد ترک تحصیل بی‌شمار دانش‌آموزانی هستیم که به دلیل برخورد سلیقه‌ای معلم، معاون یا مدیر مدرسه از مدرسه اخراج شده‌اند.

برای مثال دانش‌آموزی را در مدرسه‌ای - دبیرستان ملاصدرا- در منطقه ۱۴ تهران به دلیل داشتن انگشتر عقیق و آوردن موتوسیكلت از مدرسه اخراج کرده‌اند و دیگر این دانش‌آموز به مدرسه برنگشته است یا یک دانش‌آموز دیگر به دلیل چندین بار افتادن در درس عربی با نمره هشت، نتوانسته به پایه بعدی راه یابد و به این ترتیب ترک تحصیل کرده است که البته این موارد در دهه ۷۰ بسیار بیشتر شایع بود.

مدیران مدرسه بازخواست شوند

این کارشناس با بیان اینکه ترک تحصیل بین پسران بیش از دختران است، افزود: هیچ‌گاه مدیران مدارس به دلیل ترک تحصیل دانش‌آموزان خود توبیخ نشده‌اند یا مورد بازخواست مسوولان آموزشی منطقه قرار نگرفته‌اند.

در حالی که این موضوع به سازوکار خاصی نیاز ندارد و می‌تواند به شکل قانون درآمد تا مسوولان هر مقطع در آموزش و پرورش مناطق بتوانند مدیران مدارس را مورد بازخواست قرار دهند و پیگیر دانش‌آموز ترک تحصیل کرده یا اخراج شده شوند.

شاهشوند ادامه داد: از سویی وخیم‌شدن وضعیت اقتصادی در هشت سال گذشته موجب شد که تعداد کودکان کار افزایش یابد و عده‌ای ثروت ولو اندک را به علم ترجیح دهند. به هر شکل برآورد کارشناسان حاکی از آن است که پدیده دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، همچون تومور بدخیمی است که تمام بدن جامعه را گرفته؛ توموری که از چشم مسوولان آموزش و پرورش پنهان مانده و هر روز و هر دقیقه در حال تکثیر است.

زندانیان سیاسی را آزاد کنید.



روز جهانی معلم گرامی باد

روز جهانی معلم روز گفت وگو، منطق و روز نمایش همبستگی انسان های فرهیخته و عالم است. این روز به ما یادآور می شود که معلمان خوب قادر به ارائه آموزش خوب هستند. معلمان در کار روزانه خود از طریق تقویت نیروی انسانی نقش موثری در توسعه پایدار و دانایی محور در جوامع ایفا می کنند.

پنجم اکتبر برابر با ۱۴ مهرماه از سوی سازمان یونسکو " روز جهانی معلم " نامگذاری شده است. از سال ۱۹۹۴ این روز هر ساله از سوی یونسکو جشن گرفته می شود و توصیه شده است برگزاری جشن و مراسم بزرگداشت در سطح ملی بر عهده کشورها باشد. این مصوبه در اجلاس ۴۴ و با پیشنهاد دبیرکل یونسکو بر این نکته تاکید می کند برای بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش باید کیفیت کار و زندگی معلمان ارتقا یابد و معلم از جایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار شود. با آنکه وزیر وقت آموزش و پرورش (دکتر نجفی) از امضاکنندگان این طرح بوده اند اما در سال های گذشته شاهد غفلت نسبت به این روز جهانی هستیم.

روز جهانی معلم روز گفت وگو، منطق و روز نمایش همبستگی انسان های فرهیخته و عالم است. این روز به ما یادآور می شود که معلمان خوب قادر به ارائه آموزش خوب هستند.

معلمان در کار روزانه خود از طریق تقویت نیروی انسانی نقش موثری در توسعه پایدار و دانایی محور در جوامع ایفا می کنند. آموزش درست و مبتنی بر استانداردهای لازم، تبدیل مدارس به محیط دوست داشتنی و دلگرم کننده برای دانش آموزان مستلزم فضایی است که به حقوق معلم و دانش آموز احترام گذاشته شده و مشارکت آنان در امور مختلف تسهیل شود. متأسفانه، غالب معلمان جامعه ما که مسوولیت تربیت بیش از ۱۲ میلیون دانش آموز را عهده دار هستند، شرایط سختی را تجربه می کنند ...

این روز مناسبی است تا معلمان سراسر جهان به یک حس مشترک برسند و بتوانند با یکدیگر تعامل داشته باشند.

روز جهانی معلم ، فرصتی است تا معلمان بیش از پیش به اهمیت حرفه خویش آشنا شوند و مسائل آموزش و پرورش را در یک نگاه ملی و فراملی جست و جو کنند. با این که ایران به صورت رسمی ، به عنوان عضوی از یونسکو ، رسمیت این روز را پذیرفته است و حتی بخشنامه ای به شماره ۶۳۸۹۷۰۰ و به تاریخ ۲/۶/۸۳ مبنی بر بزرگداشت این روز از سوی وزارت آموزش و

پرورش به استان ها ، مناطق و مدارس کشور ارسال شده است ، اما این روز متأسفانه هیچ انعکاسی در پورتال و حتی صحبت های مسئولان و سرپرست وزارت آموزش و پرورش نداشته است !
آقای دکتر روحانی !

در ابتدای مهر ماه و به مناسبت آغاز سال تحصیلی ، سخنان مهمی در مورد حق گفت و گو ، نقد و انتقاد و حق اعتراض بیان کرده اید

شما اعتراض را آغاز شکوفایی کرامت انسان دانسته اید مردم به برنامه ها و سخنان شما رای دادند و انتظار منطقی آن ها این است که انعکاس این گونه سخنان را در بدنه دولت و سخنان مسئولان شما ببینند .

وزارتخانه ای که قاعدتا باید زیر مجموعه شما باشد به راحتی سخنان شما را در این مورد از صفحه اول سایت رسمی خود حذف می کند ؟!

آیا روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش و سایر مسئولان قرار است در خط دیگری غیر از برنامه های ارائه شده توسط شما حرکت کنند؟

آقای دکتر روحانی !

مگر شما نبودید که در تربیون سازمان ملل متحد از گفت و گو و تعامل سخن رانیدید ؟

مگر شما نبودید که در آغاز سال تحصیلی همه را به نقد و انتقاد و داشتن حق اعتراض فرا خوانده اید ؟

اگر معلمان قصد برگزاری نشست برای بزرگداشت این روز جهانی و اعتراض به بی اعتنایی مسئولین آموزش و پرورش به این روز را داشته باشند چه باید کرد ؟

آیا نشست آن ها تجمع و تباری تلقی خواهد شد ؟

آیا تجمع آن ها تبلیغ علیه نظام نام خواهد گرفت ؟

شما بگویید با این مسئولینی که ساز خود را می زنند و صدای مردم را هم نشنیده اند ، چه باید کرد ؟

منتظر راهنمایی های شما هستیم ...

سازمان معلمان ایران - روز جهانی معلم ۱۳۹۲

در آذربایجان چه می گذرد؟

۸۰ در صد دریاچه ارومیه خشک شده است.

طبق گزارش خبرگزاری خانه ملت فتاحی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفته است که متأسفانه حدود ۸۰ درصد از دریاچه ارومیه به علت بی توجهی مسئولان خشک شده است. در صورتی که مسئولان برای نجات این دریاچه اقدامی انجام ندهند، در آینده کشور با بحران طوفان نمک روبه رو می شود. نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه خوشبختانه دولت یازدهم تحرکات مثبتی را در جهت نجات دریاچه ارومیه انجام داده است، افزود: نجات این دریاچه نیازمند تلاش دو چندان مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو است. وی با تأکید بر اینکه متأسفانه دولت ها در سال های اخیر برای نجات دریاچه ارومیه تنها به مطرح کردن طرح های غیر کارشناسی بسنده کرده اند، گفت: به طور حتم طرح هایی مانند بارورسازی ابرها، انتقال آب از رودخانه ارس و انتقال آب از دریای خزر از جمله این طرح های به شمار می آید. فتاحی وضعیت انباشت نمک در حاشیه دریاچه ارومیه را بحرانی و فاجعه بار خواند و گفت: در صورتی که مسئولان برای نجات این دریاچه اقدامی انجام ندهند، در آینده کشور با بحران طوفان نمک روبه رو می شود. عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بر لزوم افزایش حمایت دستگاه های اجرایی از دریاچه ارومیه تأکید کرد و اظهار داشت: مسئولان باید از اشاعه این بحران به مناطق دیگر کشور جلوگیری کنند.

کارشناسی های مختلف در مسیر انتخاب استاندار آذربایجان شرقی

نماینده مردم بناب در مجلس شورای اسلامی از کارشناسی های مختلف در مسیر انتخاب استاندار آذربایجان شرقی خبر داد. باقری بنایی در گفت و گو با خبرنگاران با انتقاد از کارشناسی هایی که در مسیر انتخاب استاندار آذربایجان شرقی از داخل دولت بر اساس منافع شخصی و گروهی و یا از طرف نمایندگان به جهت امتیازهایی که برای حوزه انتخابیه خود در نظر دارند، صورت می گیرد، تأکید کرد: برخی بخشی نگری ها و منافع شخصی و گروهی باعث شده تا به امروز تکلیف استانی به این اهمیت نامشخص باشد، در حالی که منافع همه مردم استان باید در نظر گرفته شود. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تأکید کرد: سیاسی بودن استاندار در اصل اشکالی ندارد ولی نباید وجهه اصلی استاندار از اقتصادی بودن عدول کرده و بعد سیاسی او از اقتصادی پیشی بگیرد. آنچه که مورد تأکید و خواست مردم و رای دهندگان رئیس جمهور محترم است اینکه، وزارت کشور و در رأس آن دولت یازدهم باید مصلحت مردم و استان را بر هر سهم خواهی ترجیح دهند و این خواسته مردم استان است که سریعاً با انتخاب استاندار آذربایجان شرقی صدای سوت قطار تحولات دولت یازدهم در این استان نیز شنیده شود.

عدم شرکت ۸ نمایندگان اصولگرا در اولین جلسه شورای شهر تبریز

اولین جلسه شورای شهر تبریز پس از جلسه انتخاب شهردار، به علت عدم حضور اعضای فراکسیون اصولگرایان و اعضای که کاندیدای آن ها رای لازم را در جلسه قبلی برای تصدی شهرداری تبریز به دست نیاورده بود تشکیل نشد. گفته می شود پس از آنکه برنامه ریزی طیف اقلیت شورای شهر تبریز برای انتخاب گزینه مورد نظر برای شهرداری به نتیجه نرسید، تعدادی از اعضای شورا با اعتراض و تشکیک در روند برگزاری جلسه انتخاب شهردار جدید تبریز خواستار تجدید نظر در این خصوص شده بودند که با حرکت امروز این اعضا، نگرانی های جدی از تبدیل این شورا به سرنواخت شورای پرتنش دوم بوجود می آید. بنا به اظهار نظر های منتشر شده از طرف برخی اعضای منتقد شورا، به نظر می رسد فراکسیون هشت نفره تصمیم دارد در جلسات شورا تا اطلاع بعدی شرکت نکند.

در آذربایجان شرقی ۴۰ درصد تعاونی های مصرف غیر فعالند.

به گزارش ایلنا، «کریم صادقزاده» که در نشست مدیران تعاونی های مصرف کارگران استان آذربایجان شرقی سخن می گفت، اظهار داشت: وجود تعاونی ها باعث می شود تا سایر مراکز توزیع کالا مجبور به کاهش قیمت شوند. صادقزاده تأمین مایحتاج مردم به ویژه جامعه کارگری و توزیع آن را وظیفه اصلی اتحادیه امکان و تعاونی های مصرف عنوان کرد و گفت: فعالان تعاونی های مصرف باید ارائه خدمات بهینه برای اعضای خود را با برنامه ریزی دقیق، صحیح و اصولی پیش ببرند. وی به وجود ۱۰۰ تعاونی مصرف کارگری در آذربایجان شرقی اشاره کرد و گفت: ۶۰ مورد این تعاونی ها فعال و ۴۰ مورد در استان غیرفعال اند.

صادقزاده تأکید کرد: تعاونی ها در صورتی می توانند در مقابل هرج و مرج اقتصادی مقاومت کنند که دولت از آن ها حمایت کند. وی افزود: ما انتظار داریم که بخش تعاون با سیاست ها و برنامه های خود پیش رود و از پیکره بخش کار و رفاه اجتماعی خارج شود. او با اشاره به ماده ۱۳۳ قانون مالیات های مستقیم که در آن تعاونی های مصرف معاف از مالیات هستند گفت: متأسفانه اخذ مالیات ارزش افزوده از تعاونی ها یکی از مشکلات عمده برای تعاونی ها شده است.

وی همچنین با تأکید به اینکه اتحادیه امکان در جامعه نقش مهمی را در تأمین نیازهای کارگران ایفا می کند گفت: اتحاد و یکپارچگی رمز موفقیت اتحادیه امکان در سطح کشور و پیروزی بر مشکلات و بحران اقتصادی کشور است. گفتنی است، نشست مدیران تعاونی های مصرف کارگران استان آذربایجان شرقی با حضور کریم صادقزاده و علی اصغر اکبری نمایندگان تعاونی های مصرف کارگری آذربایجان شرقی، مدیرعامل شرکت پگاه آذربایجان شرقی، سرپرست و معاونت اتحادیه امکان استان برگزار شد.